

متن پرسش

با عرض سلام و احترام خدمت شما استاد گرامی: ببخشید اگر وقت تون را می‌گیریم، من سوالی نداشتم فقط یک خواهش داشتم. امروز سوالات کاربران را می‌خواندم که یکدفعه سوال شماره ۳۴۴۷۳ مرا میخ کوب کرد. چون سرنوشت زندگی من نیز به نوعی شبیه زندگی ایشان بود. مادر من نیز با نیت خیر خواهی هرچی دلش خواست به من تحمیل کرد. من هم به خاطر حفظ حرمت مادری چیزی نگفتم اما متاسفانه نتیجه این همه تحمیل و اطاعت کورکورانه این شد که الان در سن ۳۷ سالگی هرچی سرمایه مادی و معنوی داشتم از دست دادم و چنان سوختم و آینده ام تباه شد که حتی نتوانستم همان آرزوی های تحمیلی مادرم را نیز برآورده کنم اکنون خود مادرم پشیمان است و هر وقت بهش می‌گویم چرا این کار را کردی این جواب می‌دهد که پدر و مادر خیر بچه شون را می‌خواهند من نمی‌دانستم که اینطور میشه. استاد عزیز خواهش می‌کنم اگر ایمیل این خانم را دارید پیام مرا به این دختر خانم برسانید و بهش بگوید که به عنوان یک خواهر رنج کشیده به شما توصیه می‌کنم در ضمن رعایت احترام والدین به هیچ وجه و هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی از ارزش های معنوی و اعتقادی و ولایی که دارید کوتاه نیایید و اجازه ندهید پدر و مادر حتی از روی دلسوزی و محبت به جای شما تصمیم بگیرند، مخصوصاً در مورد انتخاب‌های اصلی زندگی تون مانند ازدواج که اولین اشتباه؛ آخرین اشتباه است چون هنوز شما ۲۰ ساله هستی و فرصت های فراوانی پیش رو خواهی داشت و می‌توانی در تمام جنبه های مادی و معنوی رشد کنی. می‌دانم مقاومت کردن در برابرخواسته های غلط خانواده در عین رعایت احترام بسیار سخت است اما مدتی سختی کشیدن ارزشش را دارد که آینده انسان تباه نشود. از دوستان خوب و مشاورین متعهد و دلسوز کمک بگیرید تا با همراهی آنها تحمل سختی ها برات آسانتر بشود. بسیار ممنونم استاد گرامی. مجدد عذرخواهی می‌کنم اگر وقت تون را گرفتم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اتفاقاً با این‌که سؤال آن خانم حالت شخصی داشت، احساس شد دیگر کاربران ممکن است از همت و درک خوب ایشان استفاده کنند؛ از این جهت در معرض دیگر کاربران قرار گرفت. در ضمن امید است خود ایشان نیز از تذکرات شما بهره‌مند گردند. موفق باشید